



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان دستگاه قضایی کشور و خانواده های شهدای هفتم تیر - 7 انیر / 1377

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به همه ی برادران و خواهران عزیز، هم مسؤولان عالی رتبه ی قوه ی محترم قضاییه و هم خانواده های گرامی و ارجمند شهدای عزیز حادثه ی تلخ هفتم تیر، خوشامد عرض می کنم و لازم می دانم در درجه ی اول، اخلاص و ارادت خودم را به ارواح طیبه ی آن شهدای عالی قدر، مخصوصاً شهید مظلوم، شخصیت جلیل القدر و عزیز و کم نظیرمان، مرحوم شهید بهشتی (رضوان الله علیه) عرض کنم.

خوب است همه به یاد داشته باشیم که این کشور، این انقلاب و این تاریخ، نجات یافته ی این مجاهدتها و این خونهاست. بدانیم که این انقلاب و این ملت و این کشور، بخصوص فعالان این نهضت بزرگ، چه دشمنان خونخوار و بیرحمی در کمین داشتند و هنوز هم دارند. همانهایی که شهید بهشتی را از دست این ملت گرفتند، هنوز در دنیا هستند. همانهایی که آنها را کمک می کردند، هنوز هم می کنند. مبدا بعضی ساده دلیلیها یا احیاناً کج فکریها موجب شود که ما تصور کنیم دشمنیها و دشمنها تمام شدند؛ که این خطر بزرگی را تولید خواهد کرد. برای کسی که در مواجهه با دشمن است، هیچ خطری بالاتر از فراموش کردن دشمن نیست.

به هر حال، آنها به پاداش خودشان رسیدند. حقیقتاً مردن معمولی و در بستر، برای کسانی مثل شهید مظلوم ما - مرحوم شهید بهشتی - با آن همه تلاش، با آن همه همت و غیرت کم بود و باید شهید می شد. شهادت پاداش بزرگی است که خداوند به او و یارانش داد. امیدواریم که همچنان در نعیم الهی باشند و هستند و روزبه روز درجات آن عزیزان متعالی باشد و ما هم در همین راه و به سوی همین هدف، به آنها ملحق شویم.

درباره ی قوه ی قضاییه، بعد از اظهار ارادت و اخلاص به شما عزیزانی که در این قوه زحمت می کشید، همچنین همه ی کسانی که در سرتاسر کشور، در جمع قوه ی قضاییه تلاش می کنند، و تشکر از زحماتتان و قدردانی از آنچه که کردید، یا همت آن را دارید که بکنید؛ همچنین اظهار ارادت نسبت به همه ی شما، مخصوصاً رئیس محترم این قوه ی عظیم و شخصیت های برجسته و قضات شریف و پاکدامن و شجاعی که هستند، می خواهم دو نکته را در کنار هم و با هم عرض کنم:

یک نکته این است که قوه ی قضاییه از ارکان کشور است. تضعیف این قوه جایز نیست؛ تقویت این قوه هم به انحایی است. بعضی برمی گردد به کسانی که در خود این قوه ی عظیم و کارآمد هستند، بعضی هم به دیگران برمی گردد. معلوم است که قاضی - حتی قاضی بحق - همیشه يك طرف را از خود ناراضی می کند. معمولاً متخاصمین، هر دو راضی از کنار قاضی نمی روند؛ مگر بندرت. این ناراضی تیها، یا آنچه که مربوط می شود به ندانستن آنچه که در داخل این قوه می گذرد، نباید موجب شود که کسانی به خودشان حق بدهند قوه ای را که ضامن امنیت و عدالت و اجرای قانون و آسایش در کشور است و در حقیقت پشتوانه ی نظم و انضباط ملی است، تضعیف کنند.

شما که در داخل این قوه مشغول کار هستید، بدانید کار شما خیلی مهم و اساسی است. اگر همه ی دستگاههای کشور مشغول کار خودشان باشند، اما خدای نکرده قوه ی قضاییه معطل باشد و کارآمد نباشد، کارها بتدریج به سمت خرابی خواهد رفت. اگر بقیه ی دستگاهها خیلی کارآمد نباشند، اما قوه ی قضاییه کارآمد باشد، این کارآمدی بر روی همه ی دستگاهها اثر خواهد گذاشت و آنها را بتدریج اصلاح خواهد کرد. وقتی فهمیدید جایگاه شما و تأثیر نیک عمل کردن و پشتکار و صداقت و امانت و پاکدامنی و دقت و هوشمندی شما در فهم قضایا این قدر مهم است، کار را برای خدا و برای آن برکاتی که خدای متعال در کار شما قرار داده است، با همین استحکام انجام دهید. گوشتان به این نباشد که حالا فلانی اعتراض کرد، فلانی حرفی زد، فلانی اهانتی کرد. البته نباید بکنند. این که بعضاً دیده می شود، دستجات سیاسی یا مطبوعات یا غیره، در مقابل حفظ احترام این قوه ای که مردم باید به آن اعتماد داشته باشند، احساس مسؤولیتی نمی کنند، بد و خلاف مصلحت است. یکی از راههای بی اعتماد کردن مردم، همین شایعه پراکنیها



و حرفه‌ایی است که از روی بی‌مسئولیتی زده می‌شود. پس، نکته‌ی اول این است که همه بدانند قوه‌ی قضاییه، کارآمد و مهم و بحمدالله برخوردار از شخصیت‌های برجسته است. امروز رئیس قوه‌ی قضاییه، تحقیقاً یکی از امین‌ترین و غیورترین علمای برجسته‌ی این مملکت است. این برای یک قوه، خیلی حائز اهمیت است. بحمدالله در این قوه، شخصیت‌های روحانی برجسته، قضات عالی‌رتبه‌ی امین، پاکدامن و پارسا وجود دارند.

من این شهادتی را که می‌دهم از روی اطلاع است. بسیاری از شخصیت‌های این قوه و این قضات را می‌شناسم. بی‌سروصدا و بدون هیچ طمع، در گوشه و کنار با پاکدامنی و با پارسایی برای خاطر حقیقت کار می‌کنند. خیلی اهمیت دارد که انسان چنین مجموعه‌ای را در کشور داشته باشد؛ و ما بحمدالله این مجموعه را داریم. همه این را بدانند و همه نسبت به این قضیه با مسئولیت برخورد کنند؛ نه غیرمسئولانه و تابع هیجان‌های سیاسی و انگیزه‌های سیاسی و حرفه‌ی سیاسی و غیره.

نکته‌ی دوم که در کنار این نکته حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، این است که قوه‌ی قضاییه‌ی ما در عین حال کامل نیست. ضعف‌هایی دارد؛ نمی‌توانیم این ضعفها را انکار کنیم. بنده بحمدالله این لطف را از سوی خدا دارم که از طرق مختلف مورد مراجعات زیاد هستم. نامه‌ها و شکوه‌نامه‌ها به دست ما یا لاقلاً به اطلاع ما می‌رسد. آن چیزی که ما برای این مملکت و برای این ملت خواسته‌ایم، عبارت از این است که مردم در کنار قوه‌ی قضاییه، احساس آرامش کنند. این هنوز حاصل نشده است؛ باید این بشود.

من یک بار خطاب به مجموعه‌ی شما عزیزان عرض کردم: در نظام اسلامی باید به گونه‌ای باشد که اگر کسی مظلوم واقع شد، کسی حقی از کسی ضایع کرد و آن حقّ تزییع شده نتوانست در مقابل او از خودش دفاع کند، کسی توی سر کسی زد، کسی به کسی اهانت کرد، آن فردی که مظلوم واقع شده است، در دلش فروغ امیدی روشن باشد؛ بگوید حالا سراغ قوه‌ی قضاییه می‌روم. این را باید شما در این کشور تأمین کنید؛ این باید بشود. عدالت قضایی، در کنار انواع رشته‌های گوناگون عدل اجتماعی، تأمین‌کننده‌ی این است.

البته با مطالبی که فرمودند (84) - مبنی بر این که اقدامات بسیار باارزشی انجام گرفته است - ان‌شاءالله بایستی بیشتر هم تلاش شود. هم دولت تلاش کند و هم خود شما عزیزان تلاش کنید. کاری کنید که مردم در تظلمها خاطرشان جمع باشد که نهایتاً سراغ قوه‌ی قضاییه می‌آیند. این حالت اعتماد باید به وجود آید. من یک جمله هم اضافه کنم: در خلال عرایضی که ما سال گذشته به شما مجموعه‌ی محترم و خدمتگزار و باارزش عرض کردیم، این مسأله‌ی ثروتهای بادآورده و تشکیل طبقه‌ی جدید و بحث عدالت اقتصادی بود. مخاطب این مطلب، فقط شما نیستید؛ همه‌ی دستگاههای کشورند. دولت، بخصوص بخشهای اقتصادی دولت، قوه‌ی مقننه و مسؤولان عالی‌رتبه از همه‌ی نهادهای مختلف، همه مخاطبند. البته سال گذشته وقتی من این حرف را زدم، آحاد مردم و گروههای مختلف اظهارنظر کردند، پیغام دادند، مطالبی گفتند و امیدواریهایی در دلها پدید آمد. البته حرفهای غیرمنصفانه‌ای هم زده شد. مطالبی گفته شد که حقیقتاً درست و منصفانه نبود؛ لیکن عزیزان من! دنبالگیری لازم دارد.

عدالت و عدل، مهمترین ارزش در جامعه است: «بالعدل قامت السموات والارض (85)»؛ آسمان و زمین به عدالت وابسته است؛ نظام اجتماعی هم به عدالت وابسته است. اگر عدالت نباشد، هیچ چیز در جامعه نیست. در یک جامعه آزاد - حتی آزاد به همان سبک امریکایی - اگر عدالت نباشد - که در آن جاها نیست و همان آزادی هم به نفع یک طبقه و علیه یک طبقه خواهد بود - چند نفر سفیدپوست یک نفر سیاه‌پوست معلول را از روی ویلچر برمی‌دارند و به اتومبیل خودشان می‌بندند، به بیابانها می‌برند و روی زمین می‌کشند! بالاخره آزادی است دیگر! عدالت که نباشد، امنیت هم در خدمت طبقه‌ی مرفه و برخوردار و سوءاستفاده‌چی است. اگر عدالت نباشد، همه‌ی خیرات به یک طرف می‌رود. من پارسال به شما عزیزان عرض کردم که هشت سال دوران سازندگی را گذراندیم که از بهترین و پرکارترین دوره‌های ما بوده است. خیلی تلاش شده است، خیلی زحمت کشیده شده است؛ اما خاصیت دوران بازسازی این است که پول در جامعه زیاد است. زرنگترها، بی‌ملاحظه‌ترها، بی‌قانون‌ترها، بی‌خدا ترها، کسانی که دلشان به خون



امثال شهدای هفتم تیر نمی‌تپد، در چنین شرایطی سوءاستفاده می‌کنند. کسانی که بارها بر دوش آنهاست، سرشان بی‌کلاه می‌ماند؛ یعنی اکثریت کشور، یعنی طبقه‌ی مستضعفین، یعنی پابرهنگه‌ها، یعنی کسانی که بار تورّم بر روی دوش آنهاست و گرانیها بر آنها فشار می‌آورد؛ یعنی طبقه‌ی کارمند، طبقه‌ی کارگر، کسبه‌ی ضعیف، قضات پاکدامن، قاضی‌ای که در سنین نزدیک به بازنشستگی باید چند کیلو پرونده را زیر بغل بگذارد، به خانه ببرد و فصل تابستان در يك اتاق گرم بنشیند، ساعتها بررسی کند. برای این که درآمدی در مقابل آن داشته باشد! فشارها روی اینهاست؛ اینها عقب می‌مانند. این خلاف عدالت است. ما برای این نیامده‌ایم. فلسفه‌ی وجود من و امثال من در این جا - که بنده يك طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لاغیر. دعایی که شما برای آمدن امام زمانتان می‌کنید - که اعزّ همه‌ی خلایق عندالله و عند عباده الصّالحین است - این است که می‌گوییم: «یَمَلَأُ اللَّهُ بِهَ الْاَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا» (86)، نمی‌گویید دیناً و خلقاً. بشر تشنه‌ی عدالت و دنبال عدالت است.

عزیزان من! کشورهای غربی برای این که خودشان را از مسأله‌ی عدالت راحت کنند، شعارهای دیگری می‌دهند. عدالت مقوله‌ای نیست که چیزی جای آن را بگیرد. در جامعه عدالت لازم است. عدالت در همه‌ی امور اجتماعی، از جمله در امور اقتصادی لازم است. نمی‌گوییم همه یک اندازه درآمد داشته باشند؛ اما فرصتهای بهره‌مندی از امکانات عمومی در اختیار همه قرار گیرد و سوءاستفاده نباشد.

بعضی گفتند شما که راجع به عدالت حرف می‌زنید، امنیت اقتصادی از بین می‌رود؛ بعکس است. اگر عدالت باشد، امنیت اقتصادی بیشتر است. دزدها و چپاولگرها هستند که از بی‌عدالتی سود می‌برند. انسانی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند و طبق قانون سود ببرد، از عدالت خوشش می‌آید؛ عدالت پشتوانه و پشتیبان اوست. این قضایا را دنبال کنید و عوامل را بیابید. دولت هم باید به شما کمک کند.

افتخار قوه‌ی قضاییه این است که بتواند عدالت را در جامعه تأمین کند. جلو جُرّمها را بگیرید. اینها کار لازم دارد. خیلی تلاش کردند؛ من می‌دانم. ما بحمدالله موفق هستیم که دیدارهای منظمی با جناب آقای یزدی داریم. گزارشهای خوبی به من داده می‌شود که خیلی خوب است؛ اما من به همه، به بدنه، به مجموعه، به شخصیت‌های گوناگون قوه‌ی قضاییه عرض می‌کنم که تلاش لازم دارد، تحقیق می‌خواهد، دنبالگیری می‌خواهد، تا بتوانید ان شاءالله روشهایی را پیدا کنید که این کار انجام گیرد. باید هم بشود. تا نشود به نتایج و اهداف این انقلاب نخواهیم رسید. باید عدالت در جامعه تأمین شود. ان شاءالله خدای متعال هم بر این تلاشها ترخّم خواهد کرد، رحمت الهی شامل حال جامعه خواهد شد، حدود الهی اجرا خواهد شد، موازین و قسط اجرا خواهد شد و خدای متعال ان شاءالله کمک خواهد کرد.

امیدواریم مشمول الطاف و رحمت‌های فراوان و فیوضات الهی و مشمول الطاف حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا فدا باشید. ان شاءالله خداوند کمک کند و به همه‌ی شما توفیق دهد و همه‌ی دلسوزان انقلاب بتوانند این کارهای بزرگ را انجام دهند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

84) اشاره به مطالب رئیس قوه قضائیه در ابتدای این دیدار.

85) وقعة صقین: ص 106. تغییر صافی: ذیل آیه‌ی 7 از سوره‌ی «الرّحمن».

86) کمال‌الدین، ص 288